

تبیین اسلام حقیقی

در ترویج شعار حسینی

از بیانات مرح عالمیدر

حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی



تبیین اسلام حقیقی در ترویج شعائر حسینی

از بیانات مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی «دام ظلّه»

ناشر:

نوبت چاپ:

تیراژ:

لیتوگرافی و چاپ:

شابک:

قیمت:

مقدمه

طبق روال هرساله‌ی بیت فقاہت و مرجعیت، گردهمایی بزرگ مبلغان دینی در آستانه ماه محرم الحرام در بیت مرجع عظیم الشان شیعیان جهان حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی برگزار شد.

این گردهمایی که در شامگاه روز چهارشنبه مورخ ۲۶ ماه ذی الحجه سال ۱۴۳۷ق و مطابق با ۱۳۹۵/۷/۷ خورشیدی صورت گرفت، با استقبال گرم علما، فضلا و مبلغان دینی که در بیت مرجعیت گرد آمده بودند، مواجه شد.

در این محفل نورانی حضرت آیت الله العظمی شیرازی مد ظله العالی حاضران را از رهنمودهای ارزشمند و کاربردی خود در جهت هدفمند ساختن و غنی سازی فعالیت‌های فرهنگی - مذهبی آنان بهره‌مند ساختند که مشروح بیانات ایشان در مجموعه پیش رو گردآوری شده است.

هدف از قیام

امام حسین علیه السلام در مقام تبیین هدف خود از قیام، در خطبه‌ی معروفشان فرمودند: «أريد أن أمر بالمعروف، وأنهي عن المنكر، وأسير بسيرة جدي وأبي علي بن أبي طالب»^۱ [قیام کردم] تا امر به معروف کنم و از منکر و بدی باز دارم و سیره‌ی جدم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام را در پیش گیرم».

در آستانه‌ی دو ماه محرم و صفر، ماه‌های عزا و سوگواری و شعائر مقدس امام حسین علیه السلام قرار داریم.

در این ماه‌ها دو چیز اهمیت بیشتری دارد، هرچند در طول عمر، پایبندی به این دو مورد بر همگان لازم و بایسته است؛ مطلب نخست تبلیغ اسلام است، یعنی باید آموزه‌ها و بایدها و نبایدهای اسلام به همگان برسد و حجت بر همگان تمام شود؛ دیگری اقامه‌ی تمام گونه‌های شعائر مقدس امام حسین علیه السلام در جای جای این خاکدان است.

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

فراموش نکنیم که در این زمینه وظیفه و مأموریت و مسئولیت داریم، چراکه رسول مکرم اسلام ﷺ فرموده‌اند: «کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتة»^۱ همگی تان سرپرستانید و همگی نسبت به زیردستان خود مسئولید».

چنان که بیان شد هدف از تبلیغ، اتمام حجت بر همگان است، و هیچ اجباری در پذیرفتن آن از سوی مردم نیست، چراکه قرآن کریم می‌فرماید: «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»^۲ هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را بپذیرا شود) و هر کس می‌خواهد کافر گردد».

ویژگی این دو ماه در این است که در تبلیغ اسلام باید جدی‌تر بود و بر این امر تأکید بیشتری هست. البته اسلام واقعی باید تبلیغ شود، نه صورت ظاهری آن و به این امر باید توجه خاص شود و بدانیم که حضرات معصومین (علیهم‌السلام) به ویژه رسول گرامی

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۷۲، ص ۳۸.

۲. سوره کهف، آیه ۲۹.

اسلام ﷺ مکرراً هشدار داده و فرموده‌اند: «لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ»^۱ از اسلام تنها نام [و ظاهر] آن بر جای خواهد ماند.

پرسشی ممکن است مطرح شود و آن این است که ظاهری شدن اسلام و تهی شدن از محتوایی که خدای متعال و حضرات معصومین برای آن لحاظ داشته‌اند، بعد شهادت حضرت رسول اکرم ﷺ است؟! یا بعد از به شهادت رسیدن امیرمؤمنان علیه السلام؟! یا در امروز و روزگار ما صورت گرفته است؟!

ملاک‌های اسلام واقعی و اصیل

بی‌تردید، گفتار، کردار و تقریر چهارده معصوم علیه السلام ملاک اسلام است و از آن حضرات، دو تن یعنی رسول خدا ﷺ و امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام حکومت کردند و اسلام واقعی و پیراسته از هر آلیه‌ای را به رخ جهانیان کشیده و آن را به همگان نشان دادند و در تاریخ نیز ثبت شده است.

۱. ثواب الأعمال، شیخ صدوق، ص ۲۹۹، حدیث ۴.

مبلغان، باید این اسلام را تبلیغ کنند و به همگان برسانند. همگان باید بدانند که اسلام برای سراسر جهان است، چنان‌که قرآن کریم خطاب‌های مکرری چون: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! ای مردم» دارد و هم خدای متعال به رسول اکرم ﷺ فرمان می‌دهد: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً»^۱ بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم».

با این توصیف، چرا جمعیت جهان که هفت میلیارد یا بیشتر هستند، تمام‌شان مسلمان نیستند، دلیل آن و مشکل کار چیست؟ پاسخ روشن است، زیرا حدود پنج میلیارد انسان در جهان، اسلام را نشناخته‌اند و تنها در کشورهای اسلامی نامی از اسلام هست و این، به دلیل نبودن تبلیغ و نرسیدن ماهیت ناب اسلام محمدی و اسلام علوی به آنان است و اگر نامی و نشانی از اسلام شنیده یا دیده باشند، در حدی نبوده که آنها را به باور و یقین

۱. سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

برسانند. آنچه نباید مورد غفلت قرار گیرد این است که اسلام باید به گوش دنیا رسانده شود و به گونه‌ای باشد که مردم آن را باور کنند و آن گاه آزادند که بپذیرند و ایمان آورند یا - خدای ناکرده - نپذیرند و کفر ورزند.

فراهم بودن امکانات تبلیغ

در روزگاری فعالیت در این زمینه چندان ممکن نبود، ولی امروز وضعیت تغییر کرده است و چنین امکانی فراهم است و البته زحمت دارد و همت بیشتری می‌طلبد. امروز بیش از دویست کشور بزرگ و کوچک وجود دارد که دست کم در ۱۵۰ کشور آزادی نسبی برای تبلیغ اسلام وجود دارد، مانند: ایران، عراق و جز آن. مسلم این است که تبلیغ اسلام در و از این کشورها برای سایر سرزمین‌ها ممکن است و مردم نیز می‌شنوند و این کار با سخنرانی و فعالیت‌های تبلیغی انفرادی، از رهگذر شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، به وسیله‌ی رسانه‌های شنیداری و دیداری و نوشتاری امکان‌پذیر است. در این بخش کار شده

است، اما اندک و ضعیف بوده است. آری، کسانی در این راه تلاش می‌کنند و زحمت می‌کشند که خدایشان پاداش دهد، ولی این اندازه با فرمان الهی «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً» سازگاری و تناسب ندارد و هرکسی باید در حدّ توان خود به چنین فرمانی که مخاطب اول آن رسول الله ﷺ بود و سپس سایر مسلمانان جامه‌ی عمل بپوشاند.

در این میانه دو دسته مسئولیتی سنگین دارند، یکی طبقه‌ی علما و دیگری فرمانروایان هستند، چراکه علما کم و بیش اسلام را شناخته و با آن آشنا هستند و مردم آنان را به عنوان الگو و راهنمایان خویش پذیرفته و ایشان را قبول دارند.

دسته‌ی دوم فرمانروایان هستند که قدرت و حاکمیت و ثروت را در دست دارند.

یادآوری این نکته لازم است که امروز در جهان بیش از ۲۰۰ کشور کوچک و بزرگ داریم که در حدود ۱۵۰ کشور از آن نسبتاً آزادی‌هایی برای تبلیغ وجود دارد، اما با این حال در این امر

کوتاهی شده است و اسلام اصیل به صورت کافی که مناسبت ندای «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» خدای متعال باشد، صورت نمی‌گیرد. با این حساب که تعداد کشورهای دنیا را ۲۰۰ کشور و تعداد کشورهای اسلامی را نیز ۳۰ کشور در نظر بگیریم و این ۳۰ کشور حداقل یک نمایندگی در کشورهای دنیا داشته باشند، تعداد نمایندگی‌های به نام اسلام ۶ هزار نمایندگی می‌شود که هر کدام از اینها نیز چندین کارمند در خود دارند که اگر در هر نمایندگی ۱۰ نفر کارمند داشته باشد، به این معناست که ۶۰ هزار نفر فرهیخته در سراسر جهان با عنوان نماینده‌ی کشور اسلامی صاحب قدرت، ثروت، امکانات و ... هستند.

با این حساب چرا پیشرفت اسلام کند است و شتاب نمی‌گیرد؟ مشکل کجاست و چه کسی یا کسانی مسئول هستند؟ وای بر ما اگر در روز قیامت از مصادیق این آیه‌ی کریمه باشیم که می‌فرماید: «وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ»^۱ و از سوی

۱. سوره زمر، آیه ۴۷.



خدا برای آنها اموری ظاهر می شود که هرگز گمان نمی کردند». مبادا به گونه ای عمل کنیم که در روز قیامت دریابیم در این دنیا به وظیفه ی خود عمل نکرده ایم. باید از چنین وضعیتی و این که به طور شایسته و بایسته در دنیا تبلیغ اسلام نمی شود به خدای متعال پناه برد. توجه داشته باشیم که در چهارچوب و قالب اسلام رسول خدا ﷺ و اسلام امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) مطالب تازه و زیبا داریم.

اسلام علوی یا؟

در منابع تاریخی و روایی از جمله کتاب شریف بحارالانوار آمده است که: روزی جناب ابوذر نزد یکی از حاکمانی که بعد از شهادت رسول خدا ﷺ، خلافت امیرمؤمنان (علیه السلام) را غصب کرده بودند رفت و دید تنها از یک کشور آفریقایی پانصد هزار دینار و به نقلی بیشتر برای او خراج آوردند.

ابوذر با دیدن آن همه پول، معترضانه به او گفت: با این اموال می خواهی چه بکنی؟

پاسخ داد: منتظرم باز هم برایم چنین اموالی بیاورند تا به خواسته‌ها و تمایلات خود برسم.

ابوذر گفت: حتماً به یاد داری روزی با یکدیگر خدمت رسول خدا ﷺ رسیدیم و ایشان را گرفته و اندوهگین دیدیم و بدون آن که با حضرتش سخن بگوییم آن جا را ترک کردیم و روز بعد که به دیدار ایشان رفتیم ایشان را گشاده‌رو یافتیم. به ایشان عرض کردیم که غم و بلا از وجودتان دور باشد. دیروز که این جا آمدیم شما را غمگین و ناراحت دیدیم، لذا محضرتان را ترک کردیم که مزاحمتی ایجاد نکرده باشیم. آن گرفتگی به چه جهت و علت بود؟ پیامبر اکرم ﷺ پاسخ دادند: دو درهم نزد من مانده بود و کسی را نمی‌یافتم که آن را به او بدهم و امروز موردش پیدا شد و آن دو درهم را به او دادم».

ارائه‌ی چهره‌ای چنین درخشان و نورانی از اسلام محمدی و اسلام علوی به جهانیان، مسلماً و حتماً آنان را شیفته و مجذوب اسلام خواهد کرد. در دوران حکومت آن دو بزرگوار، یک فرد

بی‌خانه وجود نداشت و دختر یا پسری به دلیل بی‌نوایی و مستمندی مجرد نمی‌ماند و تنها مسافران بودند که در کاروانسراها یا خانه و اتاق‌های اجاره‌ای چند روزی را سپری می‌کردند و این وضعیت از آن جهت بود که دارایی بیت‌المال در محل خودش هزینه می‌شد و به مصرف نیازمندان واقعی می‌رسید و در آن ماجرا که تنها دو درهم روی دست رسول خدا ﷺ مانده بود، ایشان غمگین و اندوهگین شده بودند.

آن بزرگوار که علت آفرینش و مخاطب «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتَ الْأَفْلَاكُ»^۱ اگر به جهت [آفریدن] تو نبود، افلاک [و هستی] را نمی‌آفریدم» و «مَا خَلَقْتَ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً»^۲ نه آسمانی برافراشته می‌آفریدم و نه زمینی گسترانده شده به وجود می‌آوردم» بود، برای ماندن دو درهم و نیافتن مستحق آن چنان غمگین و اندوه زده بودند. این مطلب را باید به جهانیان رساند و از این

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۵، ص ۲۸.

۲. مفاتیح الجنان، حدیث شریف کساء.

رهگذر اسلام ناب و پیراسته از نادرستی‌ها و کژی‌ها را به رخ همه کشاند و به آنان فهماند که اسلام این است.

متأسفانه بسیاری به نام اسلام نادرستی در پیش می‌گیرند و از این‌که مایه‌ی بد جلوه دادن اسلام باشند باکی ندارند. به عنوان مثال در سال‌هایی نه چندان دور روزنامه‌ای در یکی از کشورهای اسلامی نوشت که رئیس‌جمهور آن کشور تا آن لحظه چهار هزار دروغ گفته است.

پر واضح است که چنین مطلبی فوری در جهان منتشر می‌شود و جذابیت اسلام را خدشه‌دار می‌کند و غیرمسلمان با شنیدن یا خواندن این خبر برای مسلمان شدن دلیلی ندارد. در زمینه‌ی تبلیغ اسلام همگی مان و البته هرکس در حدّ توانش به عنوان واجب مطلق باید مقدمات وجود آن را فراهم کند و در این راه تن به خستگی ندهد و تسلیم مشکلات نشده، بلکه سختی‌ها و مشکلات را باید تحمل کند.

نگاهی به تاریخ

در تاریخ داستان‌ها و ماجراهایی فراوان نوشته‌اند، مثلاً آمده است که همه ساله سه میلیون دینار (سکه طلا) معادل ده تَن طلائی خالص به عنوان خراج و مالیات فقط از مصر برای معاویه می‌فرستادند و جهان اسلام در آن روز به گستردگی حدود چهل کشور امروزی بود که معاویه بر آنها فرمانروایی می‌کرد. در منابع تاریخ، حتی دوستداران و طرفداران معاویه نوشته‌اند که او یک سوم ده تَن طلائی ارسالی از مصر را برای خود برمی‌داشت.

کمی که عقب‌تر برگردیم حکومت امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام را داریم که با همین درآمدها، چهره‌ای متفاوت دارد. در تاریخ آمده است که در کوفه میدانی بزرگ وجود داشت و مردم در آن تردد و خرید و فروش می‌کردند. امیرمؤمنان علیه السلام گاهی موجودی بیت‌المال را در آن‌جا تقسیم می‌کردند. راوی می‌گوید: «وارد رجب (میدان شهر) شدم و علی بن ابی طالب علیه السلام را دیدم که ظرفی از میخک پیش روی خود به همراه هدایایی که از سایر شهرهای

تحت حکومت ایشان رسیده بود پیش رو داشتند. از آن جا که میخک معطر است، دخترکان چند دانه‌ی آن را در رشته‌ی نحی درآورده به گردن می‌آویختند. یکی از وابستگان به امام عَلَيْهِ السَّلَام به ایشان عرض کرد: چند دانه از این میخک‌ها به من بدهید برای دخترم ببرم و او از آنها گردن‌آویزی برای خود بسازد.

امیرمؤمنان درهمی از جیب خود درآورده و به او دادند، سپس فرمودند: این درهم از آن من است و هرگاه از کار تقسیم این میخک‌ها فارغ شدم و چیزی از آن زیاد آمد، پس از آن که مازاد را به‌طور مساوی تقسیم کردم، سهم خود را می‌دهم تا دختری از آن گردنبند درست کند».

این، شیوه‌ی حکومت‌داری رسول مکرم اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام است و با افتخار و سربلندی می‌توانیم بر جهانیان افتخار کرده، بگوییم که حضرتش از محل درآمد بیت المال ابتدا نیازهای عمومی و شخصی مسلمانان، مانند: ازدواج، تهیه‌ی مسکن، درمان بیماری و جز آن را تأمین می‌کرد و اگر

چیزی زیاد می‌آمد که هر سال چندین بار چنین اتفاق می‌افتاد و آن مازاد را عطاء می‌خواندند؛ در این صورت، امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام که خدا و پیامبرش او را خلیفه‌ی بر حق پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوانده بودند، آن را تقسیم می‌کردند و خود سهمی معادل سهم قنبر برمی‌داشتند. طلحه و زبیر از این شیوه‌ی تقسیم امام عَلَيْهِ السَّلَام ناراحت شدند و از این که در عطاء آنان را با افراد عادی مساوی می‌داشتند گلایه کردند.

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به آنان فرمودند: پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مازاد تقسیم بیت‌المال به شما چه مقدار می‌دادند؟ پاسخ دادند: مساوی می‌دادند. گفتند: افراد قبل از شما ما را گرامی می‌داشتند (فراوان عطا می‌دادند). حضرت فرمودند: من دنبال‌هرو پیامبر اسلام هستم نه پیرو آنان». این مطالب و حقایق به جهانیان و حتی به تمام مسلمانان نرسیده است و مسئولیت رساندن و ابلاغ آن به مردم بر عهده‌ی علما و فرمانروایان است و مسئولیت علما در این معنا سنگین‌تر است و اگر آزادی داشته باشند موفق‌تر خواهند بود.

اهمیت و اثرگذاری علما

فراموش نشود که آزاد بودن علما در فعالیت‌های مرتبط با هویت روحانیت، موفقیت بهتر و بیشتری را برای آنان رقم می‌زند. به عنوان مثال در مقطع زمانی شیخ مفید رحمته الله علیه آزادی نسبی در عراق وجود داشت. با توجه به این که آمار شیعیان در بغداد آن روز به ده درصد هم نمی‌رسید، اما به گواهی تاریخ، شیخ مفید در بغداد (کاظمین) نماز عید غدیر می‌خواند و هزاران نفر که بسیاری از آنان هم شیعه نبودند به او اقتدا می‌کردند.

از این‌رو، اگر عالم متقی و خدا ترسی آزادی عمل داشته باشد زمینه‌ی موفقیت او نیز فراهم است، در مقابل اگر آزادی عمل وجود نداشته باشد از امام معصوم هم کاری بر نمی‌آید.

در روایت آمده است که منصور دوانیقی، امام صادق علیه السلام را به حیره (قصبه‌ای در اطراف نجف اشرف که امروزه نیز به صورت دهکده مانده است) تبعید کرد. راوی می‌گوید: «به عزم دیدار ایشان به حیره رفتم و به حضور ایشان رسیدم. ایشان مشغول نماز

بودند. پس از نماز سلام دادم و به ایشان عرض کردم: شما در این جا هستید در حالی که دنیا نیازمند دانش شماست!

ایشان فرمودند: چه باید بکنم؟

این پاسخ امام بدین معنا بود که در محاصره هستم و آزادی عمل ندارم، لذا کاری از من بر نمی‌آید.

به هر حال، معنای لفظ علما به مراجع تقلید، مدرسان درس خارج و عناصر حوزه‌ی علمیه منحصر نیست، بلکه هرکس که نسبت به اسلام شناخت داشته باشد، در همان حدّ و در همان زمینه عالم است و به همان اندازه مسئولیت و وظیفه دارد.

نکته‌ای دردآور از تاریخ

در تاریخ آمده است: هارون الرشید عباسی بعد از آن‌که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را زندانی کرد، جلودی نامی را به خانه‌ی آن حضرت فرستاد تا دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله که در خانه‌ی آن حضرت بودند را غارت کند و دارایی‌شان را ببرد. امام رضا علیه السلام از او خواستند که وارد خانه نشود و خود تمام آنچه را که دارند

برای او خواهد آورد و گماشته‌ی هارون نپذیرفت و به بهانه‌ی این‌که هارون از او خواسته است، اصرار داشت وارد خانه شده و خود مأموریتش را انجام دهد، ولی امام رضا علیه السلام او را راضی کرد که خود اموال زنان خانه را برای او بیاورد. در نتیجه تنها یک پیراهن برای هر یک از زنان خانه ماند و آنان فقط یک چادر داشتند. بدین ترتیب جز یک نفر هیچ یک از آنان پوشش کامل برای خواندن نماز در اول وقت نداشت و مجبور بودند به نوبت نماز بخوانند.

بر اساس همین تاریخ، هارون با زییده ازدواج کرده و بیش از پانزده تن طلای ناب هزینه‌ی این ازدواج کرد.

سرِ دراز این رشته

غارتگری‌هایی که در برخی کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد و جنایات حساب شده‌ای که رخ می‌دهد تماماً از همان جا و همان حکومت‌هایی ریشه می‌گیرد که به ناحق داعیه‌ی مسلمانی داشته‌اند؛ رفتار و کارهایی که با منش و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و

امیرمؤمنان علیه السلام تفاوتی به گستردگی زمین تا آسمان دارد. دریغ و افسوس که امروز در بغداد خیابانی به نام «شارع الرشید» خیابان رشید» وجود دارد؛ هموکه در رفتار و گفتارش هیچ شباهتی با سیره‌ی پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نداشت.

آنان نسبت به حق الناس آن قدر ریزین بودند که چند دانه میخک امام علیه السلام را به واکنش و می داشت و دو درهم حق ضعیفان پیامبر صلی الله علیه و آله را غمگین می ساخت، اما هارون و امثال او آنسان سخاوتمندانه بیت المال مسلمانان را خرج هوس های خود می کردند. دردمندانه کسانی که پیروان منش هارون و عموماً بنی عباس بوده و هستند، دوران هارون را «العصر الذهبي؛ عصر طلایی» خوانده اند. در تاریخ نوشته اند که متوکل عباسی چندین کاخ ساخت که با برآورد ما پانصد تُن طلا صرف ساخت آنها کرد. در ظلم و جنایت و دشمنی با خاندان رسالت نیز کوتاهی نکرد و به دستور او چند اتاق خشت و گلی که گرداگرد قبر مطهر امام حسین علیه السلام ساخته شده بود را ویران کردند و زائران امام حسین علیه السلام را زندانی و شکنجه می کرد و حتی می کشت.

امروزه مسلمانان نباید در رساندن این مطالب به جهانیان کوتاهی کنند، در غیر این صورت هیچ عذری از آنان پذیرفته نیست. دنیا باید از سیره و شیوه‌ی زندگی رسول خدا ﷺ و امیرمؤمنان ع‌الیه‌السلام رئیسان حکومت اسلامی آگاه شوند. بیان این مطالب برای جهانیان، حق را از باطل برای آنان باز می‌شناساند و ماه‌های محرم و صفر بهترین و مناسب‌ترین فرصت برای ایفای این مسئولیت است.

در منابع گوناگون و نیز در بحارالأنوار آمده است که امیرمؤمنان ع‌الیه‌السلام در سال فقط یک روز یک تکه گوشت می‌خوردند، آن هم روز عید قربان بود. این در حالی بود که بر اساس روایت سزاوار نیست که چهل روز بگذرد و انسان گوشت نخورد، اما امام بنا به مسئولیتی که بر عهده داشتند چنین رفتاری نکرده است تا با فرودستان همدردی کرده باشند. آن امام بزرگ در جایی فرموده‌اند: «خدای متعال از والیان و حاکمان عادل پیمان گرفته است که اوضاع‌شان از ضعیف‌ترین افراد تحت حکومتشان

بہتر نباشد» و در جایی دیگر فرمودند کہ: اوضاع حاکمان باید از افراد ضعیف تحت حاکمیت‌شان پایین‌تر باشد.

روزی اصحاب امام صادق علیہ السلام بہ ایشان عرض کردند: اگر شما رئیس حکومت می‌شدید ما ہم بہرہ‌مند می‌شدیم.

امام فرمودند: حال کہ چنین نیست و من مسئولیتی ندارم و در نتیجہ دستانم بستہ است، اما اگر رئیس حکومت می‌بودم همانند جدم علی بن ابی طالب علیہ السلام خوراک ناگوار می‌خوردم و جامہ‌ی درشت بر تن می‌کردم.

یادآوری یک پیام

امام حسین علیہ السلام ہنگامی کہ عازم عراق بودند، در خطبہ‌ی خود فرمودند: «أريد أن أمر بالمعروف، وأنهي عن المنكر، وأسير بسيرة جدي وأبي علي بن أبي طالب»^۱ می‌خواہم امر بہ معروف کنم، از بدی بازدارم و سیرہ‌ی جدم و پدرم علی بن ابی طالب را در پیش

۱. بحار الأنوار، علامہ مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

گیرم؛ دشمنان مانع تحقق یافتن این هدف شدند و حضرتش را کشتند و متأسفانه معتقدان به حضرتش و پیروان ایشان غالباً کنار کشیدند و هیچ کمکی نکردند. این مسئولیت پایان نیافته، بلکه بر دوش ما مسلمانان نهاده شده است، بنابراین وظیفه داریم که در حدّ توان، مقدمات وجود را فراهم کنیم.

ترویج شعائر مقدس حسینی

مطلب دوم درباره‌ی ماه‌های محرم و صفر است و این که باید در موسم عزا و مصیبت بهره جست و در راه تحقق اهداف اهلبیت علیهم‌السلام به ویژه اهداف والای امام حسین علیه‌السلام کوشید، خدای متعال قضیه‌ی امام حسین علیه‌السلام را اینگونه و پایا و پویا خواسته است و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام نیز به بزرگداشتن شعائر مقدس حسینی تشویق کرده‌اند، لذا این مسأله باید گرم‌تر و پُررنگ‌تر جریان داشته باشد و اگر در جاهایی از این جهان بر این مسأله فشار وارد می‌کنند، اما در جاهای بسیاری این‌گونه نیست.

در جاهایی که اندکی فشار و محدودیت وجود دارد باید

تحمل کرد و توجه داشت که این امر از ویژگی‌های قضیه‌ی امام حسین علیه السلام است.

از جمله‌ی این ویژگی‌ها مطالبی است که در کتاب شریف و گرانسنگ «کامل الزیارات» آمده است. علامه امینی رحمته الله ۸۰ - ۹۰ سال قبل بر این کتاب حاشیه زدند و با چاپ سنگی آن را به چاپ رساندند. ایشان حاشیه‌های مختصری بر این کتاب زده‌اند و مفصل‌ترین حاشیه‌ی ایشان این است که ائمه اطهار علیهم السلام تا حدّ کشته شدن در راه شعائر مقدس امام حسین علیه السلام اجازه داده‌اند، اما در مسأله‌ی حج نظری متفاوت داشته، بر آنند که برای رفتن به حج، امنیت راه و سفر شرط است و اگر محدودیت و مشکلی پیش روی حاجی باشد، با میلیارد بودن هم استطاعت حاصل نمی‌شود و اگر در شرایط نا امن انسان به مکه برود و با هیچ مشکلی روبه‌رو نشود - به فرموده‌ی فقها - حجتش باطل است، اما در سفر کربلا دست و پای زائران را قطع می‌کردند و آنان را می‌کشتند، ولی امامان معصوم علیهم السلام رفتن به این سفر را تشویق می‌کردند.

در جلد ۴۴ بحارالأنوار مطلبی خواندنی وجود دارد که به جاست کسانی که آن را ندیده یا نشنیده‌اند، بخوانند. مطلب از این قرار است که پس از به شهادت رسیدن امام حسن مجتبیٰ علیه السلام، امام حسین علیه السلام نامه‌ای خطاب به معاویه نوشتند که در آن آمده است: «شما کسانی هستید که دست و پای مسلمانان را قطع کرده، به چشمان آنان میل گذاخته کشیده، آن‌ها را کور می‌کنید و مردم را به دار می‌کشید و آنقدر در آن حالت نگاه می‌دارید تا از گرسنگی و تشنگی بمیرند». با آن مقاومت در برابر معاویه‌ها به فرموده‌ی روایات، و بنابر عمل حضرات معصومین علیهم السلام باید روز به روز شعائر مقدس حسینی پررنگ‌تر و گسترده‌تر شود.

یکی از اصحاب مورد اعتماد امام صادق علیه السلام می‌گوید که به آن حضرت عرض کردم: برای رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام از سه نفر می‌ترسم، یکی از آن‌ها سلطان است که خود را خلیفه می‌خواند. این ماجرا به روزگار بنی‌امیه یا بنی‌عباس برمی‌گردد و البته هردو از یک قماش بودند. روشن باشد که هر حاکمی سر

کار می‌آمد و به قدرت می‌رسید با امام حسین علیه السلام و شعائر مقدس او ضدیت و دشمنی می‌کرد. مثلاً در ایران رضا خان پهلوی در پنج سال آخر عمر حکومتش چنان برخورد دشمنانه و خصمانه با مراسم سوگواری و مجالس عزای امام حسین علیه السلام داشت که در یک شبانه‌روز عاشورا حتی یک مجلس دو سه نفره علنی برگزار نمی‌شد. در عراق از روزگار پادشاهان تا روزگار بعثی‌ها را تجربه کردم. محرم و صفر که سر می‌رسید مردم شور حسینی پیدا می‌کردند و حکومتیان دستخوش هیجان و خروش ضد حسینی می‌شدند و مردم را به بند می‌کشیدند و شکنجه می‌کرده و دارایی‌ها را به غارت می‌بردند و کارمند را به بهانه‌هایی اخراج می‌کردند.

این حوادث و رخدادها را باید به همت جوانان مسلمان و غیور، به ویژه جوانان ایرانی جمع کنند که در آن صورت یک دایرةالمعارف بزرگ بیست جلدی خواهد شد. چنین کاری چندان مشکل نیست، چراکه با پرسیدن از سالخوردگان می‌توانند

این هدف را عملی کنند. آنچه قابل توجه است این که در دوره‌ی پنج ساله‌ی آخر پهلوی اول چه خون‌هایی که ریخته شد و ده‌ها هزار انسان شکنجه شدند و میلیون‌ها دارایی مردم مصادره شد. به عنوان مثال اگر به خانه‌ای شک می‌کردند که در آن مجلس عزای حضرت سیدالشهداء علیه السلام برقرار شده است، حمله کرده، افراد موجود در خانه، مانند: منبری، صاحب‌خانه و مستمعین را می‌بردند و برای هر یک مجازاتی مشخص داشته و آن را درباره‌اش اجرا می‌کردند و البته حبس و شکنجه جدای از این مجازات بود.

جاودانگی الهی

بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و از زمان یزید رضی الله عنه تا به امروز در جای جای دنیا با این جریان برخورد می‌شود. به راستی چرا و از چه می‌ترسند؟ از این که انسان بی‌تابی و جَزَع کند یا خود را در مصیبت آن حضرت بزند؟ بی‌تابی و جَزَع در از دست دادن عزیزان بد و مکروه است، اما برای امام حسین علیه السلام پسندیده

خوانده شده و استثنا گردیده است. شکوه و ماندگاری در قالب سوگواری بر امام حسین علیه السلام را خدا اراده فرموده است و جبرائیل را فرمان داد تا بر حضرت آدم فرود آید و جبرائیل به دستور الهی عمل کرده، نام رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان، حضرت فاطمه و امام حسن مجتبی علیه السلام را یاد می‌کند، اما برای آنان مرثیه نمی‌خواند، ولی وقتی از امام حسین علیه السلام یاد می‌کند برایش مرثیه می‌خواند.

این ویژگی را خدای متعال برای آن حضرت خواسته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره‌ی جاودانگی خداخواسته برای امام حسین علیه السلام فرموده‌اند: «وَلِيَجْتَهِدَنَّ أَئِمَّةُ الْكُفْرِ وَأَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ وَتَطْمِيسِهِ، فَلَا يَزْدَادُ اثْرَهُ إِلَّا ظُهُورًا، وَأَمْرَهُ إِلَّا عُلُوًّا؛^۱ هر چند پیشوایان کفر و رهروان گمراهی در محو آن می‌کوشند، اما نتیجه آن جز این نیست که پرتوافشانی و برتری امر او، فزونی خواهد گرفت».

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۴۴۵.

بیست و اندی سال قبل رژیم بعثی در عراق با هواپیماهای جنگی به زائران امام حسین علیه السلام که پیاده عازم زیارت آن حضرت بودند حمله کرد و کشتاری وحشتناک به راه انداخت و نتیجه این شد که امروزه جمعیتی حدود سی میلیون در مراسم اربعین حسینی راهی کربلا می شوند. این همان فرموده‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اراده‌ی تکوینی خدای متعال درباره‌ی امام حسین علیه السلام و قضیه‌ی اوست. این قضیه باید جهانی و گسترده‌تر شود و از آزادی‌های موجود در بیش از ۱۵۰ کشور جهان برای تحقق این هدف استفاده شود. از این رو بایسته است که اگر در جایی حسینی‌ی مورد نیاز شیعیان و پیروان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام نیاز است، برای ساختن آن همت و مشکلات موجود را تحمل کنند.

فراموش نشود که برای ماندگاری این حرکت و قضیه، شیعیان کشته‌ها داده‌اند و در زندان‌ها و دخمه‌های زیرزمینی که در تاریخ و حتی در رژیم بعثی‌ها مانند آن وجود نداشته، در بند کشیده می شدند و شکنجه می دیدند.

در یک زمانی در دوره‌ی متوکل وضعیت به گونه‌ای بود که امکان بردن بازداشتی‌ها به مرکز وجود نداشت، لذا در کنار قبر مطهر امام حسین علیه السلام اتاق‌هایی ساخته بودند برای زندانی کردن زائران. با تمام این وصف‌ها، اما یک مورد هم نمی‌توان یافت که ائمه‌ی اطهار علیهم السلام از رفتن به زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام نهی کرده باشند. در زمان متوکل امام هادی علیه السلام بودند، ولی از ایشان حتی یک مورد نهی از زیارت صادر نشده است.

امام حسین علیه السلام سنگ محک

دو چیز مرتبط با قضیه‌ی امام حسین علیه السلام همیشه و از دیرباز تا به امروز بوده و هست که باید خود را با آن بیازماییم. یک: آمده است که: «إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ علیه السلام حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»^۱ شهادت امام حسین علیه السلام سوز و گدازی در دل‌های مؤمنان بر جای نهاده که هیچ‌گاه به سردی نمی‌گراید».

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، حدیث ۱۲۰۸۴.

خود را با این محک بیازماییم و ببینیم اگر چنین داغی در دل داریم و برای حفظ آن می‌کوشیم - إن شاء الله - از مؤمنان خواهیم بود.

در مقابل حاکمان ستمکار همواره می‌کوشیده‌اند قضیه‌ی امام حسین علیه السلام را بکوبند، از بین ببرند و از جایگاهش بکاهند که گاهی هم موفق می‌شدند، چنان‌که پهلوی اول در ایران اسلامی به مدت پنج سال پرچم مخالفت و دشمنی با این دستگاه را برافراشت، تا جایی که حتی یک مجلس علنی به چشم نمی‌خورد.

در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز همین شرایط حاکم بود و هارون الرشید از جمله کسانی بود که زائران امام حسین علیه السلام را زندانی می‌کرد و می‌کشت. چنان‌که در تاریخ ثبت شده و مشهور است هارون در بغداد، مأمون در سرخس و متوکل در سامرا «بركة السباع» گودال و برکه‌ی درندگان» داشتند که ده‌ها و به نقلی تا چهل حیوان درنده در آن نگهداری می‌کردند و هرگاه هارون بر کسی خشم می‌گرفت فرمان می‌داد تا او را زنده زنده در برکه‌ی درندگان بیندازند.

پیراستن اسلام وظیفه‌ی کیست؟

متأسفانه تاریخ اسلام با نام هارون، مأمون، متوکل، منصور و جز آنان همراه شده است. این انحراف تاریخی را چه کسی باید برطرف کند و چه کسی باید به یاری علی بن ابی طالب علیه السلام بشتابد؟ به یاد داشته باشیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره‌ی حامیان علی علیه السلام دعا کرده و فرموده‌اند: «**اللهم انصر من نصره**»^۱ بار خدایا، آن کس که او (علی) را یاری کند، یاری اش فرما.

همگی ما و شما باید با قلم، بیان، مال و موضعگیری، اسلام محمدی و اسلام علوی را حمایت و یاری کنیم.

یکی از کسانی که در اربعین گذشته در کربلا بود می‌گفت: کسانی از خانه‌ی خود تا کربلا پیاده و سوار بر اتوبوس، پابرهنه حرکت کردند. واقعاً همت این افراد درخور ستایش است. البته کسانی پیدا می‌شوند که از سر بی‌اطلاعی و نادانی یا مغرضانه به

۱. المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۱۶، حدیث ۳۵۱۴.

ادعای این که امامان معصوم علیهم السلام به پیاده روی با پای برهنه امر نکرده‌اند، بر زائران پیاده‌ی با پای برهنه خرده و ایراد می‌گیرند، غافل از این که آن بزرگواران به چنین کاری امر کرده‌اند و در کامل الزیارات به آن تصریح شده است.^۱

حالا اگر کسی این روایت را ندیده یا نمی‌داند حرف دیگری است. وانگهی اگر امامان علیهم السلام بدین کار امر نکرده‌اند خود فرموده‌اند: «علینا القاء الاصول، وعلیکم التفریع»^۲ بر ماست که اصول را بیان کنیم و شما باید از آن برداشت مطلب کنید».

آن پاکان عمومات جزع بر امام حسین علیه السلام و جز آن را گفته‌اند که تمام شعائر مقدس آن حضرت را دربر می‌گیرد. یکی از فقهای بزرگ - که خدایش رحمت کند - در نوشته‌ای از آثار خود آورده‌اند که «تمام شعائر مقدس امام حسین علیه السلام از مصادیق جزع است».

۱. کامل الزیارات، ص ۱۳۲.

۲. طریق استنباط الأحکام، محقق کرکی، ص ۱۷.

بنابر مشهور فقها و نه اجماع آنان، کسی حق ندارد در راه شعائر امام حسین علیه السلام خود را بکشد، اما اگر کاری کند که به کشته شدنش بینجامد، بنا به نقل علامه امینی در حاشیه کامل زیارات «جماعتی از فقها و محققان فرموده‌اند که تا حدّ کشته شدن اشکال ندارد» ولی این فتوای مشهور فقها نیست، اما ائمه علیهم السلام از این کار منع نمی‌کردند. در روزگاری که در عراق بودیم و پس از آن، مردم زیادی از زائران امام حسین علیه السلام را کشتند، اما یک مرجع تقلید هم زیارت امام حسین علیه السلام را به این دلیل که مردم در این مسیر کشته می‌شوند، حرام نکرد. پر واضح است که وقتی امامان معصوم علیهم السلام به زیارت امام حسین علیه السلام تشویق می‌کردند، مراجع تقلید نیز از آنان پیروی می‌کنند.

ماهیت تبلیغ

وظیفه مبلغ آن است که اسلام اصیل محمدی و علوی را به جامعه‌ی در دسترس برساند، نه اسلامی که فراهم آمده‌ی الف سین لام الف و میم باشد؛ اسلامی که پرتوگرفته از معاویه‌ی

زراندوز باشد که بیش از سه تُن طلای بیت‌المال مسلمانان را از خراج یک کشور برای خود برمی‌دارد یا اسلام هارون الرشید که به او اجازه می‌دهد پانزده تُن طلای خالص هزینه‌ی ازدواج خود کند یا متوکل که پانصد تُن طلای مسلمانان را برای خود بردارد. برداشت من این است که آنچه این حاکمان از آن نام برده و مروج آن بوده‌اند نه اسلام است، نه کفر، چراکه در کشورهای کفر هم این‌گونه نیست و با مُردن حاکم یکی از این کشورها یا عزل او، چنین ثروت نجومی از او بر جای نمی‌ماند.

در مطبوعات خوانده‌ایم که در یکی از کشورهای اسلامی یک وزیر مُرد و چنان ثروتی از خود بر جای گذاشت که نقدینگی‌اش یک استادیوم فوتبال را پُر می‌کرد. بحران مسکن یکی از مشکلات عمده‌ی جهان اسلام شده است تا حدی که میلیون‌ها دختر و پسر توان ازدواج ندارند. به‌راستی این پدیده، نتیجه‌ی بی‌پولی است؟! خیر، به سبب زیاده‌خواهی و غارتگری حاکمان است. در زمان بنی امیه و بنی عباس نیز همین وضعیت وجود داشت.

بنابراین، در تبلیغ و آگاهی بخشیدن به مردم کوتاهی نشود، تا مبدا با «وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ»^۱ و از سوی خدا برای آنها اموری ظاهر می شود که هرگز گمان نمی کردند» روبه رو شویم و آن گاه کاری از ما ساخته نباشد.

اهتمام به شعائر مقدس امام حسین علیه السلام

مطلب دیگر شعائر مقدس حسینی است که نباید از آن غافل بود و مردم را باید به آن تشویق و ترغیب کرد تا پررنگ تر و گسترده تر برگزار شود و در هر جایی که حسینه یا امکان برگزاری مراسم مقدس حسینی وجود ندارد، برای برپایی آن همت گماشت. این کار شدنی است و بزرگ ترین دلیل بر این امر، جریان اربعین حسینی در عراق است. مردم آن از جمله هزاران انسان با درآمد کم و تا حدی نیازمند از بوتهی امتحان به نیکی برآمدند و خوش درخشیدند، چراکه در راه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و

۱. سوره زمر، آیه ۴۷.

احیای شعائر مقدس آن بزرگ، خانه و کاشانه و ماشین خود را که منبع درآمد و کسب روزی‌شان بود فروخته‌اند، هزینه‌ی زائران امام حسین علیه السلام کرده‌اند. یک زائر امام حسین علیه السلام در این موسم که وارد عراق می‌شود به تأمین آب و غذا و مکان برای استراحت نیاز ندارد و تا روز اربعین میهمان این شیفتگان امام حسین علیه السلام است. نه دولتی مسلمان، نه تاجری و نه ثروتمندی این خدمات را به‌طور کامل بر عهده می‌گیرد. البته اندکی از تاجران در این امر سهیم هستند، ولی عمده‌ی هزینه‌ها بر عهده‌ی فقراست.

دو بایسته‌ی یادآوری

دو مطلب را به دنیا و حکومت‌های اسلامی و تاجران مسلمان دنیا یادآوری می‌کنم و آن این‌که امام حسین علیه السلام تنها برای شیعیان و مسلمانان نیست و فقط این‌ها مریدان آن حضرت نیستند. به مریدان امام حسین علیه السلام عرض می‌کنم که زائران اربعین امام حسین علیه السلام به دو چیز نیاز دارند که شما آن را تأمین کنید: وسیله‌ی نقلیه و مسکن در کربلا و اطراف آن؛ چراکه در این

مناسبت بزرگ حسینی، زائران آن حضرت به هزاران ساختمان چندین و چند طبقه نیاز دارند. این کار از فقرا بر نمی‌آید و اجرا و عملیاتی کردن چنین پروژه‌هایی فقط در توان ثروتمندان است.

روزی یک شخصی حدود پنجاه ساله به همراه فرزند حدود بیست ساله‌اش نزد من آمد. وضع خوبی نداشت و با حضور فرزندش چیزی از من نخواست. می‌گفت: سه سال طول کشید تا مبلغی پس‌انداز کنم برای ازدواج پسر. با سقوط صدام و باز شدن راه، سیل مردم زائر به سوی کربلای معلی جاری شد. با پسر صحبت کردم که اگر نظر به ازدواج دارد کار او را سامان بدهم و اگر موافق است پس‌اندازمان را خرج زائران کنم و او با کمال رضایت و آمادگی پذیرایی از زائران را انتخاب کرد.

به‌راستی نکوهیده است که مسلمانان میلیاردی، حکومت‌ها و دیگر ثروتمندان در این زمینه هیچ اقدامی نکنند، اما افرادی دست به دهان این‌گونه آماده‌ی خدمت و ایثار باشند. چرا در چنین موسسه‌هایی پروازهای رایگان در مسیر عتبات دایر نشود؟! عقیده

به امام حسین علیه السلام هست، ولی توانمندان را باید به این قبیل امور تشویق کرد. زائران امام حسین علیه السلام چرا بدون سرپناه باشند و زیر باران در خیابان بخوابند؟ خدمت به اینان اجر و پاداش فراوانی دارد. فرشتگان بنا به توصیف قرآن کریم: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^۱ و هرگز با فرمان خدا مخالفت نمی‌کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می‌نمایند! هستند. اینان حسرت زائران امام حسین علیه السلام را می‌خورند و به قصد تبرک، بال‌های خود را به لباس زائران می‌مالند و سلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را به آنان ابلاغ می‌کنند. جان سخن این‌که باید کوشید و تشویق کرد که توانمندان با همت عالی خود در مراسم خاص و پرازدهام اربعین حسینی وسیله‌ی نقلیه‌ی هوایی، زمینی، دریایی و ریلی به صورت رایگان برای زوَّار فراهم کنند. اگر در روزگار ما این مسأله تحقق نیابد بعدها دیگران چنین خواهند کرد و پشیمانی آن برای ما خواهد ماند و در آن هنگام کاری از ما برنخواهد آمد.

۱. سوره تحریم، آیه ۶.

در روایت آمده است که اگر انسان مال خود را در راه خیر مصرف نکند، خود یا وارثانش آن را در راهی مصرف خواهند کرد که خداپسند نیست و برای صاحبش آتش دو سرا می‌شود. همین به جهانیان برسد و با این فرهنگ و آموزه آشنا شوند بالاخره اگر چند نفر نپذیرند، بسیار کسانی هستند که به آن تن دهند. روشن باشد که دارایی و مال و پول را خدای متعال می‌دهد و چه بهتر که آن را در راهی که خدا می‌پسندد هزینه و صرف کرد.

جریان امام حسین علیه السلام و شعائر مقدس ایشان را پُررنگ و پُررنگ‌تر کنید. سفره‌های چند کیلومتری را غالباً مردم عادی و زیر سطح متوسط می‌گسترانند، خدا اجرشان بدهد.

مسکن، دیگر نیاز زائران حسینی است و اگر امروز ۲۵ تا ۳۰ میلیون زائر وارد کربلا می‌شوند، در آینده به ۵۰ و ۱۰۰ میلیون خواهند رسید و البته به اسکان و استراحتگاه نیاز دارند. زیارت و زائران امام حسین علیه السلام جایگاه والایی دارند. در روایت آمده

است: «إِنَّ اللَّهَ يَزُورُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ»^۱ خدای متعال هر شب جمعه حسین را زیارت می‌کند» و این، یعنی عنایت و رحمت خاص خدا به امام حسین علیه السلام. امام حسین علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بالاتر نیستند و افتخارشان این است که در راه دین جدها فداکاری کردند، ولی در جایی نیامده است که خدای

۱. «صَفْوَانُ الْجَمَالِ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَتَى الْحَبِيرَةَ هَلْ لَكَ فِي قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ وَ تَزُورُهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَالَ وَ كَيْفَ لَا أَزُورُهُ وَ اللَّهُ يَزُورُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ يَهْبِطُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَيْهِ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَوْصِيَاءُ وَ مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ نَحْنُ أَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ؛ صَفْوَانُ جَمَالٍ گفتم: وقتی حضرت ابو عبدالله علیه السلام به حیره تشریف آوردند به من فرمودند: آیا مایل به زیارت قبر حسین علیه السلام هستی؟ عرض کردم: فدایت شوم آیا قبر آن حضرت را زیارت می‌کنی؟ حضرت فرمودند: چگونه آن را زیارت نکنم و حال آنکه خدای متعال در هر شب جمعه با فرشتگان و انبیاء و اوصیاء به زمین هبوط کرده و او را زیارت می‌کنند. البته حضرت محمد صلی الله علیه و آله افضل انبیاء و ما افضل اوصیاء هستیم. (طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود از زیارت حق تعالی، انزال رحمت‌های خاصه‌اش بر آن حضرت و زواری آن جناب می‌باشد)» (کامل الزیارات، باب سی و هشتم).

تبارک و تعالی به زیارت رسول خدا ﷺ، علی بن ابی طالب علیه السلام، فاطمه‌ی زهرا علیه السلام و امام حسن مجتبی یا سایر امامان علیه السلام می‌رود. بنابراین سعی شود شعائر مقدس حسینی چنان که شاید و باید و عزتمندانه برگزار شود. در این کره‌ی خاکی جایی هست به نام کربلا و عراق و جایی هست به نام ایران که مردمی خوب، مؤمن و شیفته اهل بیت علیه السلام دارد، در کشورهای خارجی نیز مسلمانانی با همین خصوصیت وجود دارند.

در یکی از رسانه‌های نوشتاری عربی خواندم که جایی وجود دارد که به نام دین هر ساله مراسمی ویژه در آن جا برگزار می‌شود. در زمان برگزاری این مراسم ویزا لغو می‌شود و سفر به آن جا به گذرنامه نیاز ندارد. اگر یک زندانی درخواست مرخصی برای حضور در آن مراسم داشته باشد بدون هیچ مانعی مرخصی دریافت می‌کند تا به سفر زیارتی خود برود.

همین رویه باید برای سفر به عتبات در پیش گرفته شود و به یک سخن سفر به عتبات باید آسان شود و موانع از پیش پای

زائران برداشته شود. چه خوب است در این قضیه از پیروان ادیان غیر اسلامی الگو بگیریم.

پر واضح است که فعالیت در این زمینه سختی دارد، اما سزاوار نیست که غیر مسلمانان آن گونه عمل کنند و مسلمانان، نه. خدای متعال می فرماید: «إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ»^۱ اگر شما درد و رنج می بینید آنها نیز همانند شما درد و رنج می بینند». آنان با آن که به آخرت اعتقادی ندارند ولی در راه اعتقاد خود فداکاری می کنند، حال آن که به فرموده ی قرآن کریم: «وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ»^۲ ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند».

سخن آخر

تأکید من این است که در تبلیغ اسلام صحیح و معرفی سیره ی پاک اهل بیت (علیهم السلام) کوتاهی نشود و چنان کنید که شعائر مقدس

۱. سوره نساء، آیه ۱۰۴.

۲. همان.

حسینی گسترده‌تر و پررنگ‌تر برگزار شود. دنیا تا این‌جا کوتاهی کرده و در این امر تعمد داشته است. مبدا -خدای ناکرده- ما نیز در لیست مقصران قرار گیریم؛ بکوشیم با زبان و قلم و توان خود و تشویق دیگران از شعائر مقدس حسینی دفاع کنیم. ان شاء الله همه‌ی ما به گونه‌ای عمل کنیم که ناممان در لیست خادمان امام حسین علیه السلام ثبت شود.

در نمازها و در مظان استجاب‌ها، همه‌ی شما عزیزان و مبلغان و مروّجان اسلام اصیل محمدی و اسلام ناب علوی را دعا می‌کنم.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

فهرست

۳.....	مقدمه
۴.....	هدف از قیام
۶.....	ملاک‌های اسلام واقعی و اصیل
۸.....	فراهم بودن امکانات تبلیغ
۱۱.....	اسلام علوی یا؟
۱۵.....	نگاهی به تاریخ
۱۸.....	اهمیت و اثرگذاری علما
۱۹.....	نکته‌ای دردآور از تاریخ
۲۰.....	سر دراز این رشته
۲۳.....	یادآوری یک پیام
۲۴.....	ترویج شعائر مقدس حسینی

۲۸.....	جاودانگی الهی
۳۱.....	امام حسین علیه السلام سنگ محک
۳۳.....	پیراستن اسلام وظیفه‌ی کیست؟
۳۵.....	ماهیت تبلیغ
۳۷.....	اهتمام به شعائر مقدس امام حسین علیه السلام
۳۸.....	دو بایسته‌ی یادآوری
۴۴.....	سخن آخر